

مقایسه نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عاطفی دختران فراری و بهنجار^۱

The Comparison of Basic Psychological Needs, Affect Regulation in Runaway Girls and Normal Girls

Fahimeh Zareenejad

Malek Mirhashemi

فهمیه زارعی نژاد *

مالک میرهاشمی **

Abstract

The basic objective of this study is to investigating the basic psychological needs and affect regulation of runaway and normal girls. The population included girls living in Tehran who had attempted to escape from their home and the normal girls students in Tehran. Statistical sample includes 50 runaway girls and 50 normal girls that matched with runaway girls group in term of age and social class. The runaway girls were selected by referring to welfare organization, forensic medicine of Tehran province and were administrated the scales. In regard to runaway girls, accidental sampling was examined. The normal girls were selected by simple random sampling method. The measurement tools were Basic Psychological Needs Scale (BPNS) and Measure of Affect Regulation Styles (MARS). *The results showed that there is significant difference between the scores mean of runaway girls and normal girls in each three components of autonomy, competence, and relation ($p < 0.01$). Also, There is there is significant difference between the scores mean of runaway girls and normal girls in 5 components of affect regulation (cognitive, conduct, the sense of changing position, changing affective position and negative mood ($p < 0.01$).*

چکیده

هدف اساسی این پژوهش مقایسه نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عاطفی دختران فراری و بهنجار بود. جامعه آماری شامل دختران فراری و دانش‌آموزان دختر بهنجار مقطع دبیرستان در شهر تهران بود. نمونه آماری شامل ۵۰ دختر فراری و ۵۰ دختر عادی بود که از نظر سن و طبقه اجتماعی خانواده هم‌تا شدند. حجم نمونه براساس حجم نمونه‌های مطالعات قبلی برآورد شد. پس از کسب مجوز از سازمان بهزیستی و مراجعه به پزشکی قانونی استان تهران، دختران فراری در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. برای انتخاب دختران بهنجار پس از مراجعه به دبیرستان شهر تهران از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. ابزار اندازه‌گیری عبارت بودند از مقیاس نیازهای روان‌شناختی بنیادی (دسی و ریان، ۲۰۰۰) و مقیاس سبک‌های تنظیم عاطفی مارس (۲۰۰۴). نتایج نشان داد که بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران بهنجار در هر سه مؤلفه خودپیروی، شایستگی و ارتباط تفاوت معنی‌دار وجود دارد ($p < 0.01$). همچنین، بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران بهنجار در ۵ مؤلفه تنظیم عاطفی (شناختی، رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی و خلق منفی) تفاوت معنی‌دار به دست آمد ($p < 0.01$).

Keywords: *affect regulation, home runaway, basic psychological needs.*

واژگان کلیدی: *تنظیم عاطفی، فرار از خانه، نیازهای روان‌شناختی بنیادی*

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن است.

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

**. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن (نویسنده مسئول).

توسعه زندگی شهری، پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، گسترش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده است. بطور کلی، آسیب اجتماعی به مطالعه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵). یکی از مصادیق آسیب‌های اجتماعی فرار از خانه است (نیسی و حقیقی، ۱۳۸۶). فرار نوعی رفتار ناسازگارانه است که طی آن، کودک یا نوجوان بمنظور رهایی از مشکلات موجود در خانه یا به خاطر جاذبه‌های بیرون از خانه، بدون اجازه والدین یا سرپرست قانونی خود، آگاهانه خانه را ترک می‌کند و بدون واسطه به خانه برنمی‌گردد (زرگر، پورکمالی، مرادی و زرگر، ۱۳۸۷). طی دو دهه اخیر همراه با تحول جوامع و رشد شهرنشینی، پدیده فرار از خانه و کودکان خیابانی افزایش یافته است. بطور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز سامان‌دهی کودکان و نوجوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می‌شود (شاره و آقامحمدیان، ۱۳۸۶). براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱) سالانه بیش از ۱/۳ میلیون نوجوان بین ۱۳ تا ۱۹ ساله از خانه فرار می‌کنند که بیشتر آنها (۷۴ درصد) را دختران تشکیل می‌دهند (محمدخانی، ۱۳۸۶).

نوجوانی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوران زندگی انسان به شمار می‌رود. دختران در دوره نوجوانی در مقایسه با پسران تنش و تنیدگی بیشتری را تجربه می‌کنند و برای کنار آمدن با آنها معمولاً بصورت هیجانی واکنش نشان می‌دهند. یکی از آسان‌ترین راه‌های هیجان‌مدار برای رویارویی با تنش‌ها فرار است (معظمی، ۱۳۸۲). فرار از خانه یک سازوکار روانی است که نوجوانان و جوانان برای رسیدن به امنیت درونی و رهایی از سلطه والدین به آن مبادرت می‌کنند. پدیده فرار دختران از منزل که در سالهای اخیر در جامعه افزایش داشته است، یکی از مقوله‌های آسیب اجتماعی است که مهار آن مستلزم مدیریت قوی اجتماعی و حضور مداخله جویانه در روند آسیب‌های اجتماعی است. دیمن (۲۰۰۰) فرار از خانه را غیبت از خانه به مدت حداقل یک شب و بدون رضایت والدین یا سرپرست قانونی فرد تعریف می‌کند. همچنین، شارلین و موباراک (۱۹۹۲) فرار از خانه را بمعنی دور شدن از منزل به مدت ۲۴ ساعت یا بیشتر در نظر می‌گیرند که بدون آگاهی والدین یا برخلاف میل آنها صورت گیرد. مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها به عوامل مختلفی مانند عوامل خانوادگی، اجتماعی و محیطی توجه داشته و نقش خود فرد و به طور خاص ویژگی‌های شخصیتی وی در تبیین رفتار فرار از خانه را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند (محمدخانی، ۱۳۸۶).

در بروز رفتار فرار دختران از خانه عوامل بسیاری از قبیل عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی دخالت دارد. با توجه به این که در بعد عوامل فردی، رفتارهای انسان به انگیزه بستگی دارد. در واقع، انگیزش علت رفتارها است و این نیازها هستند که رفتار انسان را برانگیخته و هدایت می‌کنند. بنابراین، شناخت نیازهای روان‌شناختی بنیادی^۱ به

^۱ . basic psychological needs

عنوان محرک‌هایی که ممکن است رفتار فرار دختران را برانگیزد موضوعی قابل توجه است. از آنجا که ارضای نیازها شرایط لازم را برای رشد و بالندگی، انسجام یافتگی و بهزیستی روان‌شناختی شخص فراهم می‌کنند و زیربنای گسترده وسیعی از رفتارهای ما را تبیین می‌کنند، مفهوم جالب و جذابی در روان‌شناسی است (دسی و ریان، ۲۰۰۰). ممکن است نیازهای بنیادی روان‌شناختی و برآورده نشدن آنها، نقش مهمی در فرار دختران از خانه داشته باشد. علاوه براین، دختران فراری احتمال بیشتری دارد که به طور منفی تحت تأثیر هیجان‌ها قرار گیرند. بیشتر آنها با دست زدن به فعالیت‌هایی که افراد هیجان‌خواه جرأت انجام دادن آنها را ندارند سایرین را متحیر می‌سازند و هیجان‌های خود را بی‌پرده ابراز می‌کنند، در روابط خود با دیگران جسور هستند، ناهم‌رنگ با جماعت هستند و خطرپذیری بالایی دارند.

بررسی آسیب‌های اجتماعی به ویژه در خصوص دختران و زنان آسیب دیده اتخاذ از نگرشی را می‌طلبد که توانایی شناسایی ریشه ناسازگارهای اجتماعی را داشته باشد (معظمی، ۱۳۸۲). پدیده فرار دختران از منزل یک پدیده چند علتی است که ریشه‌های آن را می‌توان در عوامل فردی و متغیرهای روان‌شناختی جستجو کرد. بنابراین، شناخت عوامل فردی از جمله نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عواطف می‌تواند در آگاهی علل رفتاری دختران برای اقدام به فرار مفید واقع شود. نیازهای روان‌شناختی بنیادی عبارتند از خودپيروي^۱، شایستگی^۲ و ارتباط^۳ (دسی و ریان، ۲۰۰۰). خودپيروي، اسناد درونی رفتار است که به اراده و اختیار فرد اشاره دارد؛ شایستگی، یعنی احساس اثربخشی در فعالیت‌ها که در جهت انسجام بخشی به خود است و ارتباط با دیگران، نیاز به برقراری ارتباط صمیمی و گرم با سایر افراد اشاره دارد. نیازها به عنوان منبع درونی و روان‌شناختی شناخته می‌شوند که برای رشد و دوام بهزیستی و انسجام ضروری هستند (زرندي، ۱۳۸۴). شواهد نشان داده است که بین درجه ارضای نیاز ارتباط در یک رابطه خاص و امنیت دل‌بستگی و کیفیت رابطه با فردی دیگر همبستگی قوی وجود دارد (لاگاردیا، ریان، کوچمن، و دسی، ۲۰۰۰). در واقع، نظریه خودتعیین‌گری^۴ (SDT) فرضیه‌هایی را در زمینه ماهیت مسائل اجتماعی مطرح می‌کند که به برآورده شدن این نیازها کمک می‌کنند و یا مانع برآورده شدن آنها می‌شوند. فرار دختران از همین دست مسائل است. نیازهای روان‌شناختی بنیادی و عدم ارضای آنها می‌توانند نقش شگرفی در اقدام دختران برای فرار داشته باشد.

از جمله عوامل مؤثر بر عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف تنظیم عاطفی است. شواهد نشان می‌دهد که مشکلات تنظیم عواطف با آسیب شناسی روانی رابطه معنی‌دار دارند. براساس این قبیل پژوهش‌ها، دختران فراری، افرادی

¹ -autonomy

² -competence

³ -.relatedness

⁴ .self detemination theory

مضطرب (لويس' ۱۹۹۱؛ فارو، ديشر، براون، کوليج و کيپکه، ۱۹۹۲؛ کلارک، پندري و کيم، ۱۹۹۷؛ روزنتال، مالت و ميرز، ۲۰۰۶)، افسرده (بوٲ و زانگ، ۱۹۹۹؛ آيرست، ۱۹۹۹؛ شرمن، پليت، آل حسن، چنگ و ظفر، ۲۰۰۵؛ ساليو، فيشل، مک لافين، تاوين و لژوويکس، ۲۰۰۵) و دارای نگرش‌های ناکارآمد هستند (رسول زاده طباطبائی و آزاد فلاح، ۱۳۸۴). در مطالعه‌ای ديگر (شاره، اصغر نژادفريد، يکه‌يزدان دوست و طباطبائی، ۱۳۸۵) هوش هيجانی و برخی از مؤلفه‌های آن شامل احترام به خود، شادکامی، واقعيت‌سنجی، خودآگاهی هيجانی، تحمل تنيدگی، انعطاف‌پذیری، مهارت مهار تکانه، مسئوليت‌پذیری اجتماعی و حل مسأله با خطر فرار دختران از منزل همبستگی منفی و معنی‌دار دارند. تنظيم عواطف به تلاش‌های خود برای تغيير موقعيت، شامل افکار، هيجان‌ها، تکانه‌ها اميال و رفتارها و فرآيندهای توجه گفته می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که تنظيم عواطف شامل فرآيندهای هشيار و ناهوشيار است و سيستم‌های زيستی، روان‌شناختی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. تنظيم عواطف مستلزم توانایی فرد در تأثيرگذاری بر رفتار خود بجای واکنش خودکار در برابر محيط تعريف شده است (کديور، ۱۳۸۰).

پژوهش ديگری نشان داد که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی در صفاتی چون ثبات عاطفی، استقلال، قدرت پيش‌بینی و پايبندی به اصول اخلاقی نمره پايين‌تری کسب می‌کنند (رسول‌زاده طباطبائی و همکاران، ۱۳۸۴). اما، در متغيرهای تجارب جديد، بی‌اعتمادی و اضطرب و خودراهبری نمره‌های بالاتری به دست آوردند. پژوهشی ديگر (بازياری ميمندی، ۱۳۸۱) نیز حاکی از آن بود که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی بيشتر از سبک مقابله ای هيجان‌مدار استفاده می‌کنند. در همين راستا، زرگر، مرادی و ايمانی (۱۳۸۷) طی مطالعه‌ای نشان دادند که ميانگين نمره‌های دختران فراری در مقیاس‌های بين فردی، اضطراب، افسردگی، تفکر پارانويي— روان‌پریشی و نمره کل در SCL90-R در مقایسه با دختران عادی بالاتر است. کریمی طرمزی (۱۳۹۳) بين ميانگين نمره‌های دختران بهنجار و دختران فراری در چهار متغير باز بودن به تجربه، وجدانی بودن، هويت اطلاعاتی و سردرگم/اجتنابی تفاوت معنی‌دار بدست آورد. اين نتايج حاکی از اين است که گروه دختران فراری از نظر ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی با دختران عادی تفاوت معنی‌دار دارند. طهرانی‌زاده، رسول‌زاده طباطبائی و آزاد فلاح (۱۳۸۴) نیز دريافتند که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی ارزشمندی خود را وابسته به ميزان موفقيت خود می‌دانند، و خود را بدون دليل واضح و آشکار مسئول رفتارها و اعمال منفی ديگران می‌دانند. همچنين، وابستگی به ديگران و سلطه‌پذیری از جمله خصوصيات ديگر اين افراد است.

با توجه به مرور پهنه نظری و پيشينه پژوهش مشخص می‌شود که دختران فراری از بسياری جنبه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و رفتاری مشکلات فراوانی دارند. بنايرين، شناسایی اين عوامل می‌تواند در کاهش فراوانی فرار از خانه و از همه مهم‌تر کاستن آسیب‌های روانی، اجتماعی و جسمانی ناشی از فرار، سودمند باشد. در عين حال، با توجه به حجم مطالعات انجام شده، موضوع تنظيم عواطف و به ويژه نيازهای روان‌شناختی بنيادی کمتر

مورد توجه بوده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف مقایسه بین نیازهای روان‌شناختی بنیادی و تنظیم عاطفی دختران فراری و بهنجار به انجام رسید. فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش نیز عبارت بودند از (۱) سطح نیازهای روان‌شناختی بنیادی (خودپیروی، شایستگی و ارتباط) در دختران فراری پایین‌تر از دختران عادی است، و (۲) تنظیم عاطفی (بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی، خلق منفی، خلق مثبت) در دختران فراری پایین‌تر از دختران بهنجار است.

روش

این پژوهش بر مبنای پژوهش‌های غیرآزمایشی از نوع علی-مقایسه‌ای به انجام رسید. جامعه آماری شامل دختران فراری شهر تهران و دانش‌آموزان دختر بهنجار مقطع دبیرستان در شهر تهران بود. نمونه آماری شامل ۵۰ دختر فراری و ۵۰ دختر بهنجار بود که از نظر سن و طبقه اجتماعی خانواده هم‌تا شدند. حجم نمونه براساس نتایج مطالعات قبلی در این زمینه برآورد شد. پس از کسب مجوز از سازمان بهزیستی و مراجعه به پزشکی قانونی استان تهران نمونه‌گیری از دختران فراری به صورت در دسترس انجام شد. برای انتخاب دختران عادی پس از مراجعه به چهار دبیرستان شهر تهران از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

مقیاس نیازهای روان‌شناختی بنیادی^۱: این مقیاس بر اساس نظریه خودتعیین‌گری (SDT) شامل ۲۱ عبارت توسط دسی و ریان (۲۰۰۰) ساخته شده است. محور اصلی نظریه خودتعیین‌گری مفهوم نیازهای روان‌شناختی بنیادی است. طبق این نظریه، فرض بر این است که این نیازها ذاتی و جهان‌شمول‌اند. مقیاس اصلی با ۲۱ عبارت سه نیاز اصلی شامل خودپیروی، شایستگی، و ارتباط را اندازه‌گیری می‌کند. شماره عبارت‌های مربوط به اندازه‌گیری این سه نیاز به ترتیب عبارتند از: نیاز خودپیروی با عبارت‌های ۱، ۴، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷ و ۲۰، نیاز شایستگی با عبارت‌های ۳، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵ و ۱۹، و نیاز ارتباط با عبارت‌های ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸ و ۲۱. شیوه نمره‌گذاری در این مقیاس به روش لیکرت از یک تا هفت درجه است. عبارت‌های ۴، ۱۱، ۲۰، ۳، ۱۵، ۱۹، ۷، ۱۶ و ۱۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. هومن، بشردوست و کتابی (۱۳۹۱) ضریب آلفای کرانباخ ۰/۶۹ تا ۰/۷۱ را برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. این مقیاس در نمونه‌های مدیران و دانشجویان ایرانی اجرا شده و از روایی و اعتبار مطلوبی برخوردار است به‌طوری که آلفای آن‌ها بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۹ در نوسان است (یوسفی‌صفت پیشخانی، ۱۳۹۲). در این مطالعه، مقدار ضریب آلفای کرانباخ با اجرای آن روی نمونه‌ای از دختران بهنجار (n=۲۳) ۰/۸۳ به دست آمد.

^۱ . Basic Psychological Needs Scale (BPNS)

مقیاس سبک‌های تنظیم عاطفی مارس^۱: این پرسشنامه با ۴۴ عبارت شش بعد شناختی، رفتاری، تغییر موقعیت، تغییر عاطفه، کاهش خلق منفی و افزایش خلق مثبت را اندازه‌گیری می‌کند. پریزمیک-لارسن، لارسن و آگوستین (۲۰۱۴) ساختار عاملی این مقیاس را در نمونه‌ای متشکل از ۵۶۵ دانشجو و ۱۳۵ بزرگسال بررسی کردند. برپایه تحلیل عاملی اکتشافی مبتنی بر چارچوب نظری پارکینسون و توتردل (۱۹۹۱) شش عامل تنظیم عاطفی استخراج شد. اعتبار ۶ عامل این مقیاس با اجرای آن بر روی ۳۶ نفر براساس روش برآورد همسانی درونی بین ماده‌ها (ضریب آلفای کرونباخ) بین ۰/۷۵-۰/۵۱ به دست آمد. علاوه‌براین، براساس روش بازآزمایی در فاصله زمانی یک سال، ضریب همبستگی شش عامل تنظیم عاطفی بین ۰/۷۷-۰/۴۱ بود. در مطالعه کریمی و فرح بخش (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ مقیاس تنظیم عاطفی ۰/۸۸ به دست آمد. در مطالعه حاضر، با اجرای آن روی نمونه‌ای از دختران بهنجار ($n=49$) مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد.

شیوه اجرا

برای اجرای پژوهش و بویژه اجرای ابزار اجازه کتبی از مسوولان سازمان بهزیستی و مدارس اخذ شد و به همه شرکت‌کنندگان اعلام شد که تمامی اطلاعات محرمانه باقی خواهد ماند. در عین حال، اعلام شد چنانچه مایل به دریافت اطلاعات حاصل از اجرای ابزار باشند در اختیار آن‌ها قرار داده خواهد شد. پس از اجرای نمونه‌گیری و جلب همکاری شرکت‌کنندگان و ارایه توضیحات مختصری درباره هدف پژوهش حاضر به آن‌ها، مقیاس‌های نیازهای روان‌شناختی بنیادی و سبک‌های تنظیم عاطفی مارس به‌صورت همزمان بر روی آن‌ها اجراء شد. در نهایت، با بررسی مقیاس‌های جمع‌آوری شده از لحاظ پاسخ‌دادن به همه پرسش‌ها، داده‌های آن‌ها طبق راهنمای مقیاس‌ها به نرم افزار SPS16 وارد و تحلیل شد.

یافته‌ها

در این پژوهش، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، بنظر توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل آماری، با توجه به ماهیت ابزارهای اندازه‌گیری و فرضیات پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل پراکنش چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد. پس از بررسی داده‌ها از طریق اکسپلور، از مجموع ۱۰۰ شرکت‌کننده، داده‌های سه شرکت‌کننده به شماره‌های چهار و ۲۶ (گروه دختران فراری) و شماره یک (گروه دختران بهنجار) به دلیل پرت‌بودن از تحلیل کنار گذاشته شدند و تعداد موارد گمشده نیز در حد صفر بود.

^۱ . Measure of Affect Regulation Styles (MARS)

جدول ۱

خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های شرکت‌کنندگان گروه دختران فراری (n=۴۸) و

دختران بهنجار (n=۴۹) در متغیرهای نیازهای بنیادین و تنظیم عواطف

متغیرها	متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	k-s	Sig
دختران فراری	نیازهای بنیادی	خودپیروی	۱۵/۸۸	۰/۹۶۱	۰/۳۳۷	۱/۸۶۹	۱/۰۴۸	۰/۲۲۲
		شایستگی	۱۴/۵۴	۳/۹۰۸	۰/۷۸۵	۰/۳۰۷	۱/۲۴۵	۰/۰۹۰
		ارتباط	۲۱/۸۱	۶/۵۰۹	۰/۵۴۱	-۰/۷۶۶	۱/۳۱۰	۰/۰۶۵
	تنظیم هیجان	شناختی	۱۴/۹۴	۵/۷۹۶	-۰/۰۷۵	-۱/۰۲۴	۰/۷۷۹	۰/۵۷۸
		رفتاری	۱۶/۶۲	۴/۹۰۲	-۰/۱۱۱	-۰/۵۰۴	۰/۶۸۸	۰/۸۳۱
		تغییر موقعیت	۱۴/۱۲	۵/۷۸۹	۰/۳۴۶	-۰/۳۲۰	۰/۹۹۰	۰/۲۸۱
		موقعیت عاطفی	۱۵/۵۴	۵/۴۳۰	۰/۱۷۹	-۰/۴۴۲	۰/۷۷۷	۰/۵۸۱
	تنظیم عواطف	خلق منفی	۱۷/۴۰	۵/۲۸۶	-۰/۴۱۸	-۰/۱۴۹	۰/۶۵۹	۰/۷۷۸
		خلق مثبت	۱۸/۵۴	۶/۴۲۸	-۰/۳۹۶	۰/۲۲۸	۰/۰۱۹	۰/۳۶۸
		خودپیروی	۱۸/۸۴	۴/۱۶۵	۰/۲۲۳	-۰/۳۶۰	۱/۲۰۰	۰/۱۱۲
دختران بهنجار	نیازهای بنیادی	شایستگی	۱۹/۸۰	۵/۹۱۲	۰/۱۵۷	-۰/۶۵۰	۰/۶۱۶	۰/۸۴۲
		ارتباط	۲۸/۱۰	۶/۶۴۷	۰/۶۲۸	-۰/۴۴۳	۰/۹۵۷	۰/۳۱۹
		شناختی	۱۹/۵۹	۳/۷۶۹	۰/۱۴۷	-۰/۶۰۳	۰/۸۵۱	۰/۴۶۴
	تنظیم عواطف	رفتاری	۲۰/۱۴	۴/۵۵۱	-۰/۴۸۰	۰/۷۱۷	۰/۷۵۲	۰/۶۲۴
		تغییر موقعیت	۱۸/۸۶	۴/۴۱۶	-۰/۱۶۵	-۰/۷۵۸	۰/۹۴۷	۰/۳۳۲
		موقعیت عاطفی	۲۰/۵۷	۴/۴۰۲	۱/۰۹۳	۰/۹۱۴	۱/۲۸۱	۰/۰۷۵
		خلق منفی	۲۳/۰۴	۴/۷۴۳	-۰/۷۹۳	۰/۹۶۳	۰/۶۳۲	۰/۸۱۹
		خلق مثبت	۲۰/۶۱	۶/۲۶۴	-۰/۵۴۵	-۰/۴۰۰	۱/۱۰۱	۰/۱۷۷

جدول ۲

خلاصه آزمون‌های چندمتغیری

اثر	آزمون‌ها	مقادیر	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	Sig	مجذور ایتا
گروه‌ها	اثر پیلای	۰/۳۹۲	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲
	ویلکز لامبدا	۰/۷۰۸	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲
	اثر هوتلینگ	۰/۴۱۲	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲
	بزرگترین ریشه روی	۰/۴۱۲	۱۲/۷۵۷	۳	۹۳	۰/۰۰۱	۰/۲۹۲

با توجه به مقدار آزمون‌های چندگانه به ویژه ویلکز لامبدا (۰/۷۰۸) و F محاسبه شده (۱۲/۷۵۷) با درجه آزادی ۹۳ و سه می‌توان فرض صفر را رد کرد ($P < ۰/۰۱$). به عبارت دیگر، تفاوت میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در سه مؤلفه نیازهای روان‌شناختی بنیادی (خودپیروی ادراک‌شده، شایستگی ادراک‌شده، ارتباط ادراک‌شده) معنی‌دار است و

براساس سه مؤلفه فوق، می توان دختران فراری را از دختران عادی تفکیک کرد. بنابراین، شواهد برای پذیرش فرضیه اول کافی است. اندازه اثر اختلاف با توجه به مقدار مجذور ایتا ($0/292$) در حد متوسط است.

جدول ۳

خلاصه آزمون های اثرات بین آزمودنی ها

منابع	متغیرهای وابسته	SS	df ۱	df ۲	MS	F	Sig	مجذور ایتا
گروه ها	خودپیروی	۲۱۲/۶۹۵	۱	۹۵	۲۱۲/۶۹۵	۱۲/۸۷۱	۰/۰۰۱	۰/۱۱۹
	شایستگی	۶۶۹/۴۰۳	۱	۹۵	۶۶۹/۴۰۳	۲۶/۵۴۳	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸
	ارتباط	۹۵۹/۱۸۷	۱	۹۵	۹۵۹/۱۸۷	۲۲/۱۶۱	۰/۰۰۱	۰/۱۸۹

با توجه به نتایج آزمون های اثرات بین آزمودنی ها (مقادیر F و سطح معنی داری آن ها) می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمره های دختران فراری و دختران عادی در هر سه مؤلفه خودپیروی ادراک شده، شایستگی ادراک شده و ارتباط ادراک شده تفاوت معنی دار وجود دارد. مقادیر میانگین های این دو گروه حاکی از این است که در هر سه مؤلفه، میانگین نمره های دختران فراری از میانگین نمره های دختران عادی پایین تر است.

جدول ۴

خلاصه آزمون های چندمتغیری

اثر	آزمون ها	مقادیر	F	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	Sig	مجذور ایتا
گروه ها	اثر پیلای	۰/۳۴۷	۷/۹۷۹	۶	۹۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴۷
	ویلکز لامبدا	۰/۶۵۳	۷/۹۷۹	۶	۹۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴۷
	اثر هوتلینگ	۰/۵۳۲	۷/۹۷۹	۶	۹۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴۷
	بزرگترین ریشه روی	۰/۵۳۲	۷/۹۷۹	۶	۹۰	۰/۰۰۱	۰/۳۴۷

با توجه به مقدار آزمون های چندگانه به ویژه ویلکز لامبدا ($0/653$) و F محاسبه شده ($7/979$) با درجه آزادی ۹۵ و شش می توان فرض صفر را رد کرد ($P < 0/01$). به عبارت دیگر، تفاوت میانگین نمره های دختران فراری و دختران عادی در شش بعد تنظیم عاطفی (بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی، خلق منفی، خلق مثبت) معنی دار است و بر اساس شش مؤلفه فوق، می توان دختران فراری را از دختران عادی تفکیک کرد. بنابراین، شواهد برای پذیرش فرضیه دوم کافی است. اندازه اثر اختلاف با توجه به مقدار مجذور ایتا ($0/347$) در حد متوسط است.

جدول ۵

خلاصه آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها

منابع	متغیرهای وابسته	SS	df ۱	df ۲	MS	F	Sig	مجدور ایتا
گروه‌ها	شناختی	۵۲۵/۲۶۸	۱	۹۵	۵۲۵/۲۶۸	۲۲/۰۷۴	۰/۰۰۱	۰/۱۸۹
	رفتاری	۳۰۰/۰۷۰	۱	۹۵	۳۰۰/۰۷۰	۱۳/۴۲۶	۰/۰۰۱	۰/۱۲۴
	تغییر موقعیت	۵۴۲/۹۷۷	۱	۹۵	۵۴۲/۹۷۷	۲۰/۵۴۱	۰/۰۰۱	۰/۱۷۸
	موقعیت عاطفی	۶۱۳/۴۲۴	۱	۹۵	۶۱۳/۴۲۴	۲۵/۱۶۳	۰/۰۰۱	۰/۲۰۹
	خلق منفی	۷۷۲/۶۶۴	۱	۹۵	۷۷۲/۶۶۴	۳۰/۶۶۹	۰/۰۰۱	۰/۲۴۴
	خلق مثبت	۱۰۳/۹۵۶	۱	۹۵	۱۰۳/۹۵۶	۲/۵۸۲	۰/۱۱۱	۰/۰۲۶

با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات بین آزمودنی‌ها (مقادیر F و سطح معنی‌داری آن‌ها) می‌توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در پنج مؤلفه تنظیم عاطفی (بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی، و خلق منفی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقادیر میانگین‌های این دو گروه حاکی از این است که در هر پنج مؤلفه، میانگین نمره‌های دختران فراری از میانگین نمره‌های دختران عادی پایین‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین نیازهای روان‌شناختی بنیادی دختران فراری و دختران بهنجار در هر سه مؤلفه خودپیروی ادراک‌شده، شایستگی ادراک‌شده و ارتباط ادراک‌شده تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقادیر میانگین‌های این دو گروه حاکی از این است که در هر سه مؤلفه، میانگین نمره‌های دختران فراری از میانگین نمره‌های دختران عادی پایین‌تر است. همچنین، بین میانگین نمره‌های دختران فراری و دختران عادی در ۵ مؤلفه خودتنظیمی هیجانی (بعد شناختی، بعد رفتاری، ادراک از تغییر موقعیت، تغییر موقعیت عاطفی و خلق منفی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. مقادیر میانگین‌های این دو گروه حاکی از این است که در هر پنج مؤلفه، میانگین نمره‌های دختران فراری از میانگین نمره‌های دختران عادی پایین‌تر است. به طور کلی، این یافته‌ها تا حدود زیادی با نتایج سایر پژوهش‌های انجام شده مطابقت داشت. رسول‌زاده طباطبایی و همکاران (۱۳۸۴) همچنین، طهرانی‌زاده و همکاران (۱۳۸۴) نیز یافتند که دختران فراری بیش از دختران عادی ارزش خود را به میزان موفقیت خود مشروط می‌کنند، اسیر شخصی‌سازی می‌شوند و خود را بی‌دلیل مسئول اقدامات و اعمال منفی دیگران می‌دانند. وابستگی به دیگران و سلطه‌پذیری از دیگر ویژگی‌های این افراد است. بازبازی میمند (۱۳۸۱) نیز نشان داد که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی از سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار بیشتر استفاده می‌کنند و زرگر و همکاران (۱۳۸۷) نشان دادند که دختران فراری در مقیاس‌های بین فردی، اضطراب، افسردگی، تفکر پارانویید، روان‌پریشی و نمره کل در SCL90-R نمره‌های بالاتری در مقایسه با دختران عادی کسب می‌کنند. و کریمی طرمزی (۱۳۹۳) نیز به تفاوت‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی بین دختران عادی و دختران فراری دست یافت. همچنین، سایر پژوهش‌هایی که به طور موازی انجام شده‌اند نتایج آنها از لحاظ کلی با نتایج به دست آمده از این پژوهش همسو بوده و بیانگر تفاوت‌های شخصیتی،

نگرشی و حالت های روان شناختی و رفتاری هستند (برای نمونه، لوپس، ۱۹۹۱؛ فارو و همکاران ۱۹۹۲؛ کلارک و همکاران، ۱۹۹۷؛ شارلین و مور- باراک ۱۹۹۲؛ بوث و زانگ، ۱۹۹۹؛ آیرست ۱۹۹۹؛ شرمین و همکاران، ۲۰۰۵؛ سالیو و همکاران، ۲۰۰۵؛ روزنتال و همکاران، ۲۰۰۶؛ شاره و همکاران، ۱۳۸۵).

در تبیین نتایج حاصل می‌توان چنین اظهار داشت که در بروز رفتار فرار دختران از خانه عوامل بسیاری از قبیل عوامل خانوادگی، اجتماعی و فردی دخالت دارد. شناخت نیازهای روان شناختی بنیادی به عنوان محرک‌هایی که ممکن است رفتار فرار دختران را برانگیخته نماید، موضوعی قابل تامل است. از آنجا که ارضای نیازها شرایط لازم را برای رشد و بالندگی، بهزیستی روان‌شناختی شخص فراهم می‌کنند (دسی و ریان، ۲۰۰۰) و زیربنای گسترده وسیعی از رفتارهای ما را تبیین می‌کنند، برهمین اساس نیازهای روان‌شناختی بنیادی و عدم ارضای آنها می‌تواند نقش بسزایی در فرار دختران از خانه داشته باشد. به عبارت دیگر، ارضای ناکافی نیازهای روان‌شناختی بنیادی به ویژه ارتباط، و همچنین، نیازهای شایستگی و خودپیروی یا استقلال توسط خانواده و سایر اجزای جامعه می‌تواند آثار مخربی در نوجوانی و جوانی داشته و به بروز رفتارهای آسیب‌زا و غیرعادی از جمله فرار از خانه منجر شود. روزنتال و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند که در دو سوم از نوجوانان ۱۲-۲۰ ساله، تعارض بین آنان و والدین عامل مهمی است که عمدتاً حاصل برخورد بین آنان در برآورده شدن نیاز به خودپیروی است. علاوه براین، دختران فراری احتمال بیشتری دارد که به طور منفی تحت تأثیر هیجان‌ها قرار گیرند، زیرا آن‌ها هیجان‌های بیشتری را نسبت به نوجوانان غیرفراری در سطوح گسترده زندگی‌شان متحمل می‌شوند. بیشتر آن‌ها با دست زدن به فعالیت‌هایی که افراد هیجان‌خواه جرات انجام دادن آنها را ندارند دیگران را متحیر می‌کنند و هیجان‌های خود را بی‌پرده ابراز می‌کنند، در روابط خود با دیگران جسور هستند، ناهم‌رنگ با جماعت هستند و خطرپذیری بالایی دارند.

تنظیم عاطفی یکی از عواملی است که بر عملکرد فرد در حوزه‌های مختلف اثرگذار است. بنابراین، همان طور که مطالعات مختلف به وجود رابطه مشکلات تنظیم عاطفی با آسیب‌شناسی روانی انجام شده است، تنظیم عاطفی پایین در دختران فراری موضوعی قابل تایید است که این پژوهش نیز بدان دست یافته است. همان طور که نتایج پژوهش بازیاری می‌مندی (۱۳۸۱) نشان داده است، دختران فراری در مقایسه با همتایانشان در مواجهه با مشکلات از روش‌های غیرمنطقی و بیشتر هیجان‌مدار استفاده می‌کنند، همچنین دختران فراری، فرار را به عنوان راهی برای افزایش اعتماد به خود انتخاب می‌کنند. اسپرینگر (۲۰۰۱) نیز بر این باور است که مهم‌ترین مشخصه افراد فراری ناهم‌رنگی با جماعت، خطرپذیری بالا، شیوه عملکرد مستقل از نگرش‌ها و نیازهای دیگران، تنوع‌جویی، ابراز بی‌پرده هیجان‌ها، افسردگی، خودکشی، گرایش‌های همجنس‌بازی، عزت‌نفس پایین اشاره کرد که همگی این مشخصه‌ها از ویژگی‌های افراد دارای مشکلات در زمینه تنظیم عاطفی است. در نهایت، براساس یافته‌های این مطالعه پیشنهاد می‌شود والدین در برخورد با فرزندان خود به ویژه در دوران اولیه کودکی به موضوع ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادی و همچنین، آموزش شیوه‌های مدیریت هیجان‌ها و نحوه ابراز آن‌ها تلاش بیشتری نشان دهند.

روشن است که مقطعی بودن این پژوهش و استفاده از پرسشنامه می‌تواند به عنوان محدودیت‌های عمده این پژوهش به حساب آیند. علاوه‌براین، عدم امکان انتخاب تصادفی گروه دختران فراری از جمله محدودیت‌های روش‌شناختی این

مطالعه است. در عین حال، حذف برخی داده‌ها به دلیل پرت‌بودن حکایت از این دارد که احتمال پاسخگویی ناصادقانه نیز در گروه‌های مورد مطالعه به ویژه دختران فراری بیشتر بوده است.

منابع

- بازیاری میمنندی، مهتاب. (۱۳۸۱). *بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، عوامل تنیدگی‌زا، شیوه‌های مقابله‌ای و شرایط اجتماعی - اقتصادی دختران فراری و غیرفراری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم؛ بشارت، محمدعلی؛ و بازیاری میمنندی، مهتاب. (۱۳۸۴). *بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اجتماعی و اقتصادی دختران فراری و غیرفراری. دو ماهنامه دانش‌ور رفتار*، سال دوازدهم، شماره ۱۰، ۲۳-۳۴.
- زرگر، فاطمه؛ پورکمالی، طاهره؛ مرادی، اعظم؛ و زرگر، علی. (۱۳۸۷). *مقایسه عملکرد خانواده، دختران اقدام‌کننده به فرار از منزل با گروه شاهد در شهر اصفهان. مجله علوم پژوهش‌های رفتاری*، دوره ۷، شماره ۱، ۶۹-۷۴.
- زرگر، فاطمه؛ مرادی، اعظم؛ و ایمانی، سعید. (۱۳۸۷). *مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زنان و دختران فراری و عادی شهر اصفهان. اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، دوره سوم، شماره ۱۰، ۴۷-۵۸.
- زرنندی، علیرضا. (۱۳۸۴). *رابطه پنج عامل شخصیت و خودشناسی انسجامی با رهبری تحول‌گرا و عملکرد مدیران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در روانشناسی. دانشگاه تهران.
- سلیمی، علی؛ و داوری، محمد. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاره، حسین؛ اصغرنژاد فرید، علی اصغر؛ یک‌یزدان‌دوست، رخساره؛ و طباطبایی، سیدمحمود. (۱۳۸۵). *ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار از منزل در دختران. فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۲۱، ۲۴۳-۲۲۵.
- شاره، حسین؛ و آقامحمدیان، حمیدرضا. (۱۳۸۶). *رابطه بین پایگاه‌های هویت و فرار دختران از خانه. مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۲، ۱۲۷-۱۲۲.
- طهرانی‌زاده، مریم؛ رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم؛ و آزاد فلاح، پرویز. (۱۳۸۴). *بررسی مقایسه‌های نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی. فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۹، ۲۲۴-۲۰۵.
- کدیور، پروین. (۱۳۸۰). *بررسی خودکارآمدی، خودگردانی و هوش در پیشرفت درسی دانش‌آموزان به منظورالگوی برای یادگیری بهینه*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کریمی‌طرمرزی، زهرا. (۱۳۹۳). *مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی دختران فراری و دختران عادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

کریمی، مهین؛ و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). رابطه خودتنظیمی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۱۱، شماره ۹ (پیاپی ۳۸) (ویژه‌نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت)، ۱۱۶۱-۱۱۴۹.

محمدخانی، شهرام. (۱۳۸۶). عوامل روانی- اجتماعی موثر در فرار دختران از خانه. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵، ۱۶۸-۱۴۷.

معظمی، شهرام. (۱۳۸۲). *فرار دختران چر؟ تهران: گرایش*.

نیسی، عبدالکازم؛ حقیقی، جمال؛ و پرهیزکار، مصطفی. (۱۳۸۶). شناسایی عوامل موثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات روانی آنان در استان خوزستان. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، ۱۲۰-۱۰۵.

هومن، حیدرعلی؛ بشردوست، سیمین؛ و کتابی، امیرحسین. (۱۳۹۱). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نیازهای اساسی روان- شناختی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تهران. *فصلنامه تخصصی روان‌سنجی*، دوره اول شماره دوم، ۴۹-۵۳.

یوسفی‌صفت‌پیشخانی، س. (۱۳۹۲). *مقایسه نیازهای بنیادی روان‌شناختی و اختلال بدشکلی بدن در افراد متقاضی جراحی زیبایی و افراد غیرمتقاضی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- Ayerst, S. L. (1999). Depression and stress in street youth. *Adolescence*, (34)135, 567-575.
- Booth, R. E., & Zhang, Y. (1999). The challenge of changing drug and sex risk behaviors of runaway and homeless adolescents, *Child Abuse and Neglect*, 23, 1295-1306.
- Clarke, P. N., Pendry, N. C., & Kim, Y. S. (1997). Patterns of violence in homeless women. *Western Journal of Nursing research*, 19, 490-500.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- De Man, A. F. (2000). Predictor of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality*, 28 (3), 261-268..
- Farrow, J. A., Deisher, R.W., Brown, R., Kulig, J. W. & Kipke, M. D.(1992). Health and health needs of homeless and runaway youth. A position paper of the Society for Adolescent Medicine. *Journal of Adolescent Health*, 13 (8), 717-726.
- La Guardia, J. G., Ryan, R. M., Couchman, C. E., & Deci, E. L. (2000). Within-person variation insecurity of attachment: A self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 367-384.
- Larsen, R. J., & Prizmic-Larsen, Z. (2004). Affect regulation. In R.F. Baumeister & K.D. Vohs (Eds.), *Handbook of Self-Regulation: Research, theory, and applications*. New York: The Guilford Press.

- Lewis, M. (1991). Intensive individual psychodynamic psychotherapy: The therapeutic relationship and the technique of interpretation. In M. Lewis (Ed.). *Child and adolescent psychology: A comprehensive textbook* (pp.796-812). Baltimor: Williana & Wilkins.
- Parkinson, B., & Totterdell, P.(1999). Classifying affect-regulation strategies. *Cognition and Emotion*, 13(3), 277-303.
- Prizmic-Larsen, Z., Larsen, R. J., & Augustine, A. (2014). Individual differences in affect regulation strategies. *Personality and Individual Differences*, Vol 60, Supplement, Pages S59.
- Rosenthal, D., Mallett, S., & Myers, P. (2006). Why do homeless young people leave home? Australian and New Zealand. *Journal of Public Health*, Vol. 30, 185 – 281.
- Saliou, V., Fichelle, A., McLoughlin, M., Thauvin, I., & Lejoyeux, M. (2005). Psychiatric disorders among patients admitted to a French medical emergency service. *General Hospital Psychiatry*, 24, 263- 268.
- Sharlin, S. A, & Mor-barak, M. (1992). Runaways girls in distress, motivation, background , and personality. *Adolescence*, 27(106), 387-405.
- Sherman, S. S., Plitt, S., ul Hassan, S., Cheng, Y., & Zafar, S.T. (2005).Drug use, street survival, and risk behaviors among street children inLahore, Pakistan. *Journal of Health*, 82(3 Suppl 4).113-124.
- Springer, D. W. (2001). Correlates of depression among runaway adolescents in Korea. *Child Abuse & Neglect*, 29 (12), 1433–1438.